

## ادبیات تطبیقی از لابه‌لای همایش‌های بین‌المللی

علی‌رضا انوشیروانی\*

چکیده

یکی از راه‌های آشنایی با تحولات و جریان‌های علمی روز هر رشته‌ای شرکت در همایش‌های بین‌المللی و تخصصی آن رشته است. مرسوم است که در این همایش‌ها از صاحب‌نظران و استادان برجسته برای ایراد سخنرانی‌های کلیدی دعوت به عمل می‌آورند و سپس پژوهشگران بین‌المللی نتیجه تحقیقات خود را در نشست‌های تخصصی ارائه می‌کنند. در این گزارش تحلیلی با بررسی چند همایش اخیر ادبیات تطبیقی در کشورهای مختلف سعی خواهیم کرد تا از لابه‌لای آنها با جریان‌های علمی رایج این رشته بیشتر آشنا شویم. از جمله همایش‌هایی که در اواخر سال ۲۰۰۸ برگزار شد می‌توان از همایش انجمن ادبیات تطبیقی آذربایجان در دانشگاه باکو و همایش انجمن ادبیات تطبیقی رومانی در دانشگاه بخارست نام برد. از دیگر همایش‌هایی که در سال ۲۰۰۹ برگزار شد می‌توان به همایش‌های انجمن‌های ادبیات تطبیقی هند در دانشگاه حیدرآباد، ترکیه در دانشگاه غازی، سوئد در دانشگاه اویسالا، و لیتوانی در دانشگاه ویلنیوس اشاره کرد. در این میان، نوزدهمین کنگره انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی که در ماه اوت سال ۲۰۱۰ در سئول کره جنوبی با عنوان کلی «گسترش قلمرو ادبیات تطبیقی» برگزار خواهد شد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. موضوعاتی چون مطالعات میان‌رشته‌ای، تکثر فرهنگی، تعاملات فرهنگی، تأثیر رشد فناوری اطلاعات در ادبیات، مطالعات ترجمه، ادبیات مهاجرت، ادبیات و جهانی شدن و ارتباط رسانه‌ها و ادبیات از جمله محورهای این کنگره عظیم است. در پایان، جهت آشنایی بیشتر با روند رو به رشد ادبیات

---

\* عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

عضو وابسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

پیام نگار نویسنده: [anushir@shirazu.ac.ir](mailto:anushir@shirazu.ac.ir)

تطبیقی، آماری از گروه‌های دانشگاهی این رشته در دانشگاه‌های مختلف دنیا ارائه می‌شود. بی‌شک گسترش مراکز دانشگاهی و پژوهشی و نیز تشکیل انجمن‌های ملی و همایش‌های ادبیات تطبیقی افق‌های جدیدی در مطالعات ادبی جهان خواهد گشود.

**کلیدواژه‌ها:** همایش‌های ادبیات تطبیقی، کنگره بین‌المللی ادبیات تطبیقی، پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، گروه‌های دانشگاهی ادبیات تطبیقی، ادبیات تطبیقی.

رشته ادبیات تطبیقی ماهیتاً بین‌فرهنگی، بین‌ملیتی و بین‌رشته‌ای است و سعی دارد تا با گذر از مرزهای جغرافیایی و زبانی، پل ارتباطی میان فرهنگ‌ها و ملت‌های مختلف باشد. در عصر جهانی‌شدن، اهمیت ادبیات تطبیقی بیش از پیش آشکار می‌گردد. درحالی‌که جهانی‌شدن سودای سروری فرهنگی را در سر می‌پرورد، ادبیات تطبیقی بر تنوع فرهنگی اصرار می‌ورزد. ادبیات تطبیقی ادبیات ملی را جزو لاینفک ادبیات تطبیقی می‌شمارد و معتقد است که کثرت و تنوع فرهنگی را باید ارج نهاد چون فرهنگ‌ها در تعامل با یکدیگر رشد می‌یابند و مکمل یکدیگرند. به قول یوست «تنوع غنا و چاشنی حیات فکری» انسان است (۴۶). دَمُروش<sup>۱</sup> نیز معتقد است که ادبیات‌های ملی می‌توانند از ادبیات تطبیقی بهره فراوان ببرند و متقابلاً ادبیات تطبیقی نیز باید پایه و اساس خود را بر بنیاد ادبیات‌های ملی بنا نهد (۳۲۸).

برگزارکنندگان همایش‌های بین‌المللی ادبیات تطبیقی سعی دارند تا با گردآوردن پژوهشگران ادبیات تطبیقی در کنار هم زمینه گفت‌وگو و درک و احترام متقابل را میان ملل مختلف دنیا فراهم آورند. ادبیات تطبیقی، با ایجاد ارتباط میان ادبیات ملی کشورهای مختلف، راه را برای گسترش ارتباطات فرهنگی می‌گشاید و علوم انسانی را از انزوای دیرینه خود بیرون می‌آورد.

هر سال، انجمن‌های ادبیات تطبیقی همایش‌های متفاوت و متعددی در کشورهای مختلف دنیا برگزار می‌کنند. در محیط‌های دانشگاهی رسم بر این است که پژوهشگران هر رشته‌ای ابتدا دیدگاه‌ها و یافته‌های علمی جدید خود را در همایش‌ها مطرح و سپس

آن را به صورت مقاله چاپ می‌کنند. با قبول این فرض، در این جستار با نگاهی به چند همایش ادبیات تطبیقی، ضمن تأکید بر کنگره بین‌المللی ادبیات تطبیقی در اوت ۲۰۱۰ در گُره جنوبی، سعی خواهیم کرد تا شرحی، هرچند مختصر، از روند تحولات نظری و کاربردی این رشته میان‌رشته‌ای به دست دهیم تا علاقه‌مندان با قلمرو پژوهشی این رشته بیشتر آشنا شوند.

آخرین کنگره انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی (ICLA) در ماه اوت ۲۰۰۷ در ریودوژانیرو در برزیل برگزار شد. این کنگره بین‌المللی «فراسوی تقابل‌ها، گسست‌ها و جایگزینی‌ها در ادبیات تطبیقی» نام داشت. در این کنگره هشت روزه بیش از سیصد مقاله توسط پژوهشگران برجسته ادبیات تطبیقی کشورهای مختلف ارائه شد. همان‌طور که از عنوان کنگره برمی‌آید، محور اصلی سخنرانی‌ها بررسی تغییرات و تحولات مطالعات ادبیات تطبیقی در نیمه دوم قرن بیستم بود. در این دوره بسیاری از پارادایم‌های سنتی ادبیات تطبیقی به تدریج تغییر یافت و نظریه‌پردازان و پژوهشگران این رشته با توجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی، ادبی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی این قرن، الگوهای جدیدی را جانشین روش‌های قبلی کردند. از جمله مسائلی که در این کنگره بدان پرداخته شد می‌توان به مسائلی چون مطالعات میان‌رشته‌ای، تکثر فرهنگی، تعاملات بین‌فرهنگی، تأثیر رشد فناوری اطلاعات بر ادبیات، مطالعات ترجمه، ادبیات مهاجرت، ادبیات و جهانی شدن، ارتباط رسانه‌ها و ادبیات اشاره کرد. مقالات این کنگره به صورت منظم در چندین جلد به چاپ خواهد رسید و در دسترس علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

انجمن‌های ملی ادبیات تطبیقی نیز با برگزاری همایش‌های بین‌المللی علاوه بر فراهم آوردن فرصتی برای بحث و تبادل نظر میان پژوهشگران این رشته، امکان معرفی و شناساندن ادبیات قومی خود را به سایر ملل فراهم می‌آورند. از جمله همایش‌هایی که در اواخر سال ۲۰۰۸ برگزار گردید به دو همایش می‌توان اشاره کرد. سومین همایش انجمن ادبیات تطبیقی جمهوری آذربایجان که در ماه نوامبر در دانشگاه باکو برگزار گردید «پندارهای قالبی در ادبیات و فرهنگ‌ها» نام داشت. پندارهای قالبی، یا باسمة‌ای (کلیشه‌ای)، به تصویرهایی اطلاق می‌شوند که جوامع مختلف درباره دیگران در ذهن دارند. این تصویرها برآمده از تعصبات و کج‌فهمی‌ها درباره دیگری است. این دیگری

ممکن است گروه‌های نژادی، زبانی، ملیتی، قومی، جنسیتی، مذهبی، فرهنگی، اسطوره‌ای و یا سایر طبقات اجتماعی باشند. پندارهای قالبی تصویری مخدوش از دیگری ارائه می‌دهند، که از دیدگاه روان‌شناختی، نوعی کنش فرافکنی است.

همایش انجمن ادبیات تطبیقی رومانی در ماه اکتبر ۲۰۰۸ در دانشگاه بخارست با عنوان «ادبیات ملی و فرایند جهانی شدن» به بررسی پدیده جهانی شدن و تأثیر آن در ادبیات‌های ملی پرداخت. سخنرانی بسیاری از شرکت‌کنندگان، من جمله راقم این سطور، بر این نکته تأکید داشت که اگر پدیده جهانی شدن درست و هوشیارانه شناخته شود نه تنها تهدیدی برای هویت‌های ملی و فرهنگ‌های بومی محسوب نمی‌شود، بلکه فرصتی برای ترویج فرهنگ و ادبیات ملی خواهد بود.

از جمله همایش‌هایی که در اوایل سال ۲۰۰۹ برگزار شد می‌توان به نهمین همایش انجمن ادبیات تطبیقی هند در ماه ژانویه «همسازهای گوناگون: تعامل‌های ادبی و فرهنگی» اشاره کرد که توسط گروه ادبیات تطبیقی دانشگاه حیدرآباد به ریاست علمی استاد موخرجی، از پژوهشگران بنام ادبیات تطبیقی هند، برگزار گردید. تأکید این همایش بر این نکته بود که فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف همواره در یکدیگر تأثیرگذار بوده‌اند. در این میان، رسالت ادبیات تطبیقی، از یک طرف، بازنمایی مشترکات فرهنگی میان ملل مختلف است که، در واقع، عامل همسازی، همبستگی و نزدیکی فرهنگی میان ملت‌های گوناگون است، و از طرف دیگر، تبیین تفاوت‌های فرهنگی است که باید آگاهانه مورد احترام طرفین قرار گیرد.

دانشگاه غازی ترکیه در ماه مه ۲۰۰۹ همایشی با عنوان کلی «ما همه به یک فرهنگ سخن می‌گوییم» در شهر آنکارا برگزار کرد. این همایش بر این نکته تأکید داشت که ملل مختلف، علی‌رغم تفاوت‌های جغرافیایی و فرهنگی، در اعماق وجود خود از وحدتی جهانی برخوردارند. عنوان فرعی این همایش «تحلیل تطبیقی ادبیات عامیانه از منظر چندفرهنگی» بود. مطالعه ادبیات عامیانه جایگاه خاصی در مطالعات ادبیات و فرهنگ تطبیقی دارد. در واقع، ادبیات عامیانه یکی از مشترکات فرهنگی میان ملل مختلف است که می‌تواند عامل پیوند و ارتباط آنها باشد. این همایش از این پس هر دو سال یک‌بار در ترکیه برگزار خواهد شد.

دانشگاه اویسالا با همکاری دانشگاه اُسلو همایشی با عنوان «ادبیات، جغرافیا،

ترجمه: افق‌های جدید در ادبیات تطبیقی» در ماه ژوئن ۲۰۰۹ در سوئد برگزار کرد. همچنان‌که از نام این همایش برمی‌آید محورهای عمده آن به بررسی تحولات نظری و کاربردی و روش‌های تحقیق در ادبیات تطبیقی در چند دهه اخیر اختصاص داشت. از دیگر مباحث جذاب این همایش بررسی مفهوم ادبیات جهان از گوتته تا مورتی، کازانوا و دمروش بود. دمروش، استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه هاروارد، برجسته‌ترین نظریه‌پرداز ادبیات تطبیقی در عصر حاضر است که مجموعه ارزشمندش جلدی برگزیده‌های ادبیات جهان او توسط انتشارات لانگمن به چاپ رسیده است. او پایه‌گذار روند جدیدی در ادبیات تطبیقی است که «ادبیات جهان» نامیده می‌شود — که متفاوت با آراء گوتته در این زمینه است. این همایش افق‌های آتی ادبیات تطبیقی را به روشنی ترسیم کرد. بدون شک، مجموعه مقالات این همایش بسیار خواندنی خواهد بود.

انجمن ادبیات تطبیقی لیتوانی با همکاری دانشگاه ویلنیوس و مرکز ادبیات و فرهنگ عامه لیتوانی سومین همایش مجمع اروپایی مطالعات ادبیات تطبیقی را با عنوان «دگرگونی چشم‌اندازهای اروپایی: رویارویی میان خود و دیگران» را در ماه سپتامبر ۲۰۰۹ برگزار کرد. این همایش عمدتاً بر ارتباطات ادبی و فرهنگی اروپای شرقی و غربی با توجه بر تغییرات دو دهه اخیر تأکید داشت. بخش مهمی از این همایش به پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه پذیرش ادبیات لیتوانی در سایر کشورهای اروپایی اختصاص داشت. مطالعه پذیرش ادبیات قومی در میان سایر ملل و فرهنگ‌ها از جمله حوزه‌های پرطرفدار تحقیق در ادبیات تطبیقی است.

برای پژوهشگران ادبیات تطبیقی، بزرگ‌ترین واقعه علمی کنگره‌ای است که هر سه سال یک‌بار برگزار می‌شود. انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی نوزدهمین کنگره خود را در ماه اوت ۲۰۱۰ در سئول پایتخت کره جنوبی برگزار خواهد کرد. در این کنگره پژوهشگران ادبیات تطبیقی از بیش از سی کشور دنیا گرد هم می‌آیند تا در باره نظریه‌ها و حوزه‌های جدید پژوهش در ادبیات تطبیقی به بحث و تبادل نظر بپردازند. در بخش فراخوان مقاله در وبگاه این کنگره آمده است که مقالات میان‌رشته‌ای از قبیل بررسی ارتباط ادبیات با فلسفه، سیاست، اقتصاد، علوم، فناوری اطلاعات، محیط زیست، و فرهنگ مورد استقبال قرار خواهد گرفت ([www.ICLA2010.org](http://www.ICLA2010.org)). این سومین کنگره انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی است که در یک کشور آسیایی برگزار می‌شود. آخرین

بار، حدود دو دهه قبل، سیزدهمین کنگره این انجمن در شهر توکیو، ژاپن، برگزار گردید. پرفسور چونگ هو چونگ از کره جنوبی که ریاست این کنگره را در سال ۲۰۱۰ بر عهده دارد معتقد است که انسان‌ها در عصر کثرت و تنوع فرهنگی، بیش از هر زمان دیگر، به گفت‌وگو و تعامل بین فرهنگ‌ها، ملت‌ها و ادبیات‌ها نیازمندند؛ و درست به همین دلیل، بیش از هر زمان دیگر، گسترش ادبیات تطبیقی در جهان ضرورت دارد. ادبیات تطبیقی است که می‌تواند جامعه جهانی را از طریق نمایاندن نقاط مشترک انسانی به هم پیوند دهد. این کنگره نه تنها فرصتی برای بررسی ارتباطات ادبی و فرهنگی میان ملت‌هاست، بلکه فرصتی است برای ادبیات‌گره تا از خمودگی و انزوا بیرون آید، و ضمن شناختن دیگری، خود را نیز به دیگران بشناساند. این خدمتی است شایان تقدیر، هم به ادبیات و فرهنگ‌گره و هم به جامعه بشری (به نقل از «فراخوان مقاله» کنگره ۲۰۱۰ انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی).

انجمن ادبیات تطبیقی گره در سال ۱۹۵۹ در بنیاد تحقیقات گره به ثبت رسید و هم اکنون بیش از ۵۰۰ عضو دارد. این انجمن از سومین کنگره بین‌المللی ادبیات تطبیقی در سال ۱۹۶۰ به بعد با اعزام پژوهشگران گره‌ای در نشست‌های این کنگره بین‌المللی فعالانه شرکت کرده و با انجمن‌های ادبیات تطبیقی سایر کشورهای آسیایی همکاری‌های دوجانبه‌ای را آغاز کرده است، از جمله با انجمن ادبیات تطبیقی ژاپن از سال ۱۹۶۶ و انجمن ادبیات تطبیقی چین از سال ۱۹۷۱. با راه‌اندازی رشته ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌های گره، انجمن ادبیات تطبیقی گره موفق شده است که هیئت علمی مورد نیاز کشور را در این زمینه تربیت کند و، بدین‌سان، توانسته است در شناساندن ادبیات و فرهنگ گره به دنیا قدم‌های مؤثری بردارد. موضوع اصلی کنگره بین‌المللی ادبیات تطبیقی در سال ۲۰۱۰ «گسترش قلمرو ادبیات تطبیقی» است که به شش موضوع کلی تقسیم می‌شود.

## ۱. جهانی‌سازی ادبیات تطبیقی: نظریه‌ها و عملکردهای جدید

دنیای پویا و پرشتاب قرن بیست و یکم، تحت تأثیر فناوری‌های جدید، انسان‌های متفکر و اندیشمند را به بازبینی نظرات گذشته واداشته است. آیا، مثلاً، در دنیای ارتباطات و فناوری دیجیتالی امروز، پژوهشگر ادبی می‌تواند پژوهش‌های خود را فقط

به متن‌های نوشتاری در معنای سنتی آن محدود سازد و از نقش و تأثیر فرهنگی رسانه‌های تصویری مانند تلویزیون، سینما و یا اینترنت به دلیل آنکه این قبیل امور به ادبیات فاخر ارتباطی ندارد غافل بماند؟

در دنیای امروز که مفهوم دانش و معرفت تعریف مجدد شده‌اند، ادبیات تطبیقی نیز به عنوان شاخه‌ای از دانش بشری سعی کرده است که به بازبینی مفاهیم اصلی خود بپردازد و خود را برای رویارویی با پدیده‌های جدید از قبیل جهانی شدن و تولید انبوه کالاهای فرهنگی آماده سازد. جهانی شدن در کلیه ابعاد زندگی بشر من جمله در ادبیات تطبیقی تأثیر کرده است و ادبیات تطبیقی، مانند سایر رشته‌های علوم انسانی، با ظهور شرایط جدید اجتماعی و فرهنگی نیاز به بازبینی نظریه‌ها و قلمرو تعریف شده قبلی خود دارد. انعطاف در پذیرش نظریه‌های جدید و اقتباس اندیشه‌های تازه در جهت تازگی بخشیدن و استحکام علمی از ویژگی‌های این رشته علمی پویاست. ساوسی<sup>۲</sup> یکی از علل موفقیت و دوام ادبیات تطبیقی را در عدم پایبندی آن به نام و قلمرو سنتی آن می‌داند (۳۳۸). به تجربه دریافته‌ایم آن دانشی که نتواند با زمان حرکت کند و متحول شود دیر یا زود به تاریخ علم خواهد پیوست. کنگره بین‌المللی ادبیات تطبیقی بر آن است تا با برگزاری این مجمع علمی، لااقل هر سه سال یک‌بار، تحرک و پویایی علمی لازم را در میان پژوهشگران این رشته به وجود آورد.

## ۲. جایگاه فرهنگ در عصر فرامتنیت

با رشد و گسترش رسانه‌های تصویری پدیده جدیدی به نام «فرامتنیت» به وجود می‌آید که از مرزهای سنتی متون ادبی نوشتاری فراتر می‌رود. سینما، عکاسی، پیام‌های بازرگانی، پیامک‌ها و وبلاگ نویسی با بهره‌گیری از فناوری دیجیتال نوع جدیدی از متن را خلق کرده‌اند. ادبیات تطبیقی طرحی نو برای مطالعات ادبی در انداخته و قلمرو مطالعات ادبی را وسعت بخشیده است. در قرن بیست و یکم مطالعه و بررسی فرامتن‌ها مورد توجه بسیاری از پژوهشگران ادبی قرار گرفته‌اند که معتقدند رویکردهای نقد ادبی را می‌توان در نقد رسانه‌ها و کالاهای فرهنگی نیز به کار گرفت.

### ۳. بررسی مفاهیم «طبیعت، فناوری، انسانیت»

ادبیات تطبیقی پنجره جدیدی در این کنگره به روی پژوهشگران ادبی می‌گشاید. ارتباط مسائلی چون «طبیعت و محیط زیست» و «علم و فناوری با انسانیت و اخلاق» گفت‌وگوی فرهنگی جدیدی را در میان فرهنگ ملل مختلف رقم زده که شایسته تحقیق و تفحص است. آیا بررسی و مطالعه آثار تخریب محیط زیست فقط به پژوهشگران علوم زیستی، علوم بهداشت و محیط زیست، و علوم دیگر چون اقتصاد، شیمی، اقلیم‌شناسی، زمین‌شناسی و کشاورزی مربوط می‌شود؟ مدتی است که دانشمندان جهان به این نتیجه رسیده‌اند که نجات محیط زیست در دست اندیشمندان علوم انسانی است. تخریب محیط زیست، بیش از هر امر دیگری، امری غیراخلاقی است و مؤثرترین راه برای جلوگیری از تخریب محیط زیست، یاری‌جستن از باورهای مذهبی و ارزش‌های اخلاقی جامعه است. بخشی از نوزدهمین کنگره بین‌المللی ادبیات تطبیقی به مطالعه محیط زیست و فناوری و تأثیر آن در حوزه فرهنگ و تمدن بشری اختصاص داده شده است.

### ۴. نوشتن در باره تضادها و دیگربودگی

اگر چه ظاهراً در قرن بیست و یکم اختلافات دوران جنگ سرد کاهش یافته است، اما انسان امروزی هنوز درگیر تبعیض نژادی، تضادهای قومی، ایدئولوژیکی، مذهبی، فرهنگی و اقتصادی است. در این برهه، ادبیات تطبیقی در پی آن است تا از طریق ادبیات و فرهنگ جهانیان را به هم پیوند دهد، و برای برطرف کردن این تضادها راه حل عملی و اساسی دارد. در این بخش از کنگره، پژوهشگران ادبیات تطبیقی نگاه جدیدی به مفهوم «دیگربودگی» و ابعاد مختلف آن خواهند کرد. «دیگری» را بیگانه پنداشتن راه را بر هر گفت‌وگو و هم‌اندیشی می‌بندد. در صحنه تعاملات پیچیده جهان پرآشوب امروز، ادبیات تطبیقی معتقد به شناخت و تحمل «دیگری» است.

### ۵. ترجمه: تفاوت‌ها و پیوندهای جهانی

ترجمه یکی از شاخه‌های رو به گسترش حوزه ادبیات تطبیقی است. مترجمان امکان تعامل و ارتباط را میان فرهنگ‌های مختلف فراهم می‌آورند. به تعبیر زیبایی



محمود دولت آبادی، «مترجم زبان خاموش تفاهم است». ترجمه فاصله میان ملت‌ها، قومیت‌ها، نژادها، زبان‌ها و فرهنگ‌ها را پر می‌کند و بستر آشنایی و گفت‌وگو را آماده می‌سازد. البته، در طول دهه‌های اخیر، مسیر ترجمه عمدتاً یک طرفه - از غرب به شرق - بوده است. در ایران، شاهد بوده‌ایم که ترجمه بیشتر از زبان‌های غربی، و به‌خصوص انگلیسی، به فارسی صورت گرفته است - که در جای خود بسیار ارزشمند است. مع‌الوصف، تعداد رمان‌ها و اشعار معاصری که از ادبیات معاصر جهان به فارسی ترجمه شده قابل مقایسه با تعداد اندک ترجمه آثار کلاسیک و معاصر ادب فارسی به زبان‌های غربی نیست. البته ناگفته نماند که اکثر همین ترجمه‌ها هم نتیجه تلاش مترجمان غربی است و مترجمان ایرانی کمتر بدان پرداخته‌اند. این موضوع نیازمند تأمل بیشتری است که در این فرصت مجال پرداختن بدان نیست، ولی اجمالاً می‌توان گفت که یکی از علل عدم موفقیت ما در این امر بی‌التفاتی به ضرورت شناساندن میراث فرهنگ ادبی خود به دیگران و ارج نهادن به ترجمه بوده است، درحالی‌که برخی از صاحب‌نظران ترجمه ادبی را همسنگ خلاقیت می‌دانند. بسنت<sup>۳</sup> تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید در عصر حاضر ادبیات تطبیقی باید جای خود را به مطالعات ترجمه بسپارد (۱۶۱).

معمولاً کشورهای جهان برای معرفی و شناساندن ادبیات و فرهنگ خود به جهانیان برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری‌های بنیادین می‌کنند. ترجمه آثار ادبی ملی هر کشوری به زبان‌های خارجی فرصتی برای برقراری ارتباط با دیگران و تحکیم پیوندهاست. آن‌گاه که اشعار سعدی، حافظ، خیام، فردوسی، مولوی، نظامی، نیر، سپهری، هدایت، شاملو و ... به انگلیسی و زبان‌های دیگر ترجمه می‌شوند دنیا با فرهنگ ادبی ایران آشنا می‌شود. دمرش در کتاب *ادبیات جهان چیست؟*<sup>۴</sup> می‌گوید که هرگاه اثری ادبی به زبانی دیگر ترجمه شود و، بدین‌سان، از فرهنگی به فرهنگ دیگر انتقال یابد، به ادبیات جهان پیوسته است (۶). امید است که در قرن بیست و یکم این مسیر دو طرفه بشود و کشورهای شرقی و اسلامی نیز در جهت شناساندن فرهنگ ادبی خود به جهان قدم‌های مؤثر و استواری بردارند.

---

3. Susan Bassnett  
4. *What Is World Literature?*

## ۶. آسیا و سرمشق‌های تحول‌گرای ادبیات تطبیقی

نوزدهمین کنگره انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی از ادبیات و فرهنگ کشورهای آسیایی و سهم آنان در توسعه ادبیات جهان غافل نشده و بخشی از این کنگره بین‌المللی را به این موضوع اختصاص داده است. قاره آسیا در طول تاریخ گهواره فرهنگ، دانش، ارزش‌ها و سنت‌های دیرپا بوده است. سنت‌های فرهنگی و ادبی کشورهای آسیایی بر اثر تعامل و ارتباط با یکدیگر و همچنین با سایر ملل در فراسوی مرزهای این قاره بزرگ در یکدیگر تأثیر کرده و در نتیجه متحول شده‌اند. یک قرن پس از تسلط فرهنگ ادبی غرب، اهمیت ادبیات و فرهنگ کلاسیک آسیا بر همگان آشکار شده و دیدگاه‌های جدیدی در مطالعات ادبی گشوده است. امید می‌رود که سرمشق‌های ادبی آسیایی نیز، فارغ از بینش‌های شرق‌شناسانه، جایگاه اصیل خود را در مطالعات ادبی جهان بیابند و گفت‌وگویی دو سویه و برابر میان آسیا و غرب ایجاد شود. برگزاری نوزدهمین کنگره انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی در کشوری آسیایی نشان از نیاز انسان غربی قرن بیست‌ویکم به شناخت از شرق دارد. شرق همان‌طور که بوده و هست؛ نه آن‌طور که برخی شرق‌شناسان آن را ساخته‌اند. شرق هم باید ذهن خود را از قید تصاویر کلیشه‌ای در مورد غرب آزاد سازد و آن را دقیق‌تر و علمی‌تر بشناسد.

نگاهی اجمالی به آمار دانشگاه‌های بزرگ کشورهای مختلف که گروه یا مرکز مطالعات ادبیات تطبیقی دارند و تا مقطع تحصیلات تکمیلی دانشجوی می‌پذیرند نیز نشان از روند توسعه و گسترش روزافزون این رشته در محیط‌های دانشگاهی دارد:

استرالیا: ۸ دانشگاه؛ اتریش: ۳ دانشگاه؛ ایرلند: ۲ دانشگاه؛ بلژیک: ۲ دانشگاه؛ برزیل: ۴ دانشگاه؛ کانادا: ۳۱ دانشگاه؛ شیلی: ۲ دانشگاه؛ چین: ۲ دانشگاه؛ کرواسی: ۲ دانشگاه؛ جمهوری چک: ۱ دانشگاه؛ دانمارک: ۵ دانشگاه؛ مصر: ۱ دانشگاه؛ استونی: ۱ دانشگاه؛ فنلاند: ۶ دانشگاه؛ فرانسه: ۱۷ دانشگاه؛ آلمان: ۱۹ دانشگاه؛ امریکا: ۲۴۰ دانشگاه؛ نروژ: ۲ دانشگاه؛ اسپانیا، ۱۷ دانشگاه؛ هلند: ۷ دانشگاه؛ سوئیس: ۶ دانشگاه؛ تایوان: ۳ دانشگاه؛ مجارستان: ۲ دانشگاه؛ کره جنوبی: ۱ دانشگاه؛ مالزی: ۱ دانشگاه؛ یونان: ۱ دانشگاه؛ ایسلند: ۱ دانشگاه؛ هندوستان: ۲ دانشگاه؛ ایتالیا: ۱۳ دانشگاه؛ ژاپن: ۳ دانشگاه؛ مکزیک: ۳ دانشگاه؛ مراکش: ۱ دانشگاه؛ فیلیپین: ۱ دانشگاه؛ لهستان: ۲ دانشگاه؛ پرتغال: ۵ دانشگاه؛

رومانی: ۲ دانشگاه؛ روسیه: ۱ دانشگاه؛ بنگلادش: ۱ دانشگاه؛ صربستان و مونته‌نگرو: ۱ دانشگاه؛ اسلونی: ۱ دانشگاه؛ سوئد: ۸ دانشگاه؛ ترکیه: ۲ دانشگاه؛ انگلستان: ۳۹ دانشگاه (به نقل از وبگاه BCLA).

اصولاً ابنای بشر به شناخت یکدیگر نیاز دارند تا به دوستی و صلح پایدار برسند. شایسته است که نهادهای فرهنگی و ادبی ما نیز به این مهم پردازند و در آینده نزدیک شاهد تأسیس انجمن ادبیات تطبیقی ایران و ایجاد گروه‌های ادبیات تطبیقی با توان علمی بالا در دانشگاه‌های کشور و مجلات تخصصی در این زمینه باشیم.

### منابع

- یوست، فرانسوا. «چشم‌انداز تاریخی ادبیات تطبیقی». ترجمه علی‌رضا انوشیروانی. فصلنامه ادبیات تطبیقی ۳/۱ (پاییز ۱۳۸۶): ۳۷-۶۰.
- Bassnett, Susan. *Comparative Literature, A Critical Introduction*. Oxford UK & Cambridge USA: Blackwell, 1993.
- Damrosch, David. "Comparative Literature?" *PMLA* 118.2 (2003): 327-330.
- \_\_\_\_\_. *What Is World Literature?* Princeton and Oxford: Princeton University Press, 2003.
- Saussy, Huan. "Comparative Literature?" *PMLA* 118.2 (2003): 336-341.
- <http://www.bcla.org/clww.htm>
- <http://www.ICLA2010.org/program/program.asp?sMenu=pr>

## معرفی و نقد کتاب

در این بخش از مجله به معرفی و نقد کتاب‌های بنیادین که به زبان‌های مختلف در زمینه نظریه‌ها و پژوهش‌های کاربردی ادبیات تطبیقی نوشته شده است می‌پردازیم. برخی از این کتاب‌ها سال‌ها پیش نوشته شده‌اند و برخی جدیدترند، به هر حال، هدف ما آشنا ساختن خواننده فارسی‌زبان با تحولات ادبیات تطبیقی در طول سه قرن گذشته است. البته به این نکته واقفیم که انجام دادن چنین امری در چند شماره اول مجله امکان‌پذیر نیست و نیاز به زمانی طولانی دارد، لکن باید با تلاش و حوصله راه را آغاز کنیم. افزون بر این، امیدواریم که این تلاش راه را برای مطالعات پژوهشی نظام‌مند و ترجمه کتاب‌های این رشته به زبان فارسی بگشاید.

در این شماره پنج کتاب را معرفی و بررسی خواهیم کرد. با توجه به اهمیت روش تحقیق در مطالعات ادبی، دو کتاب، یکی از نیوتن استالکُنخْت و هُرسْت فرنز، *ادبیات تطبیقی: روش تحقیق و چشم‌انداز*، و کتاب دیگر از اُون آلدْرِیج، محقق نامی روابط ادبی شرق و غرب و سردبیر *مجله مطالعات ادبیات تطبیقی* از سال ۱۹۶۳ تا زمان درگذشتش در سال ۲۰۰۵، با عنوان *ادبیات تطبیقی: موضوع و روش تحقیق* به‌طور اخص به این موضوع اختصاص داده شده است. دو کتاب بعدی اثر دو پژوهشگر مسلمان و عرب‌زبان است که هر دو با عنوان *مشابه‌الادب‌الامقارن* بارها در قاهره و بیروت و ترجمه فارسی آنها در تهران چاپ شده است. بررسی این دو کتاب مبین آن است که ادبیات تطبیقی در کشورهای اسلامی بسیار تحت تأثیر مکتب فرانسوی بوده است. آخرین مطلب، ترجمه فارسی نقدی است که عبدالله الدبّاع، عضو هیئت علمی دانشگاه امارات متحده عربی، بر کتاب ماگ گالین، *میان شرق و غرب: عرفان در رمان‌های دوریس لسینگ*، نوشته است. در این بررسی الدبّاع ضمن ارج نهادن بر اثر گالین، از لسینگ برای تلاشش در ایجاد ارتباط فرهنگی و ادبی میان شرق و غرب قدردانی می‌کند. این مرور می‌تواند نشانه روند جدیدی در مطالعات ادبیات تطبیقی در کشورهای مسلمان و شرقی باشد. در جهان پر از سوء تفاهم و بدفهمی امروز، علی‌رغم پیشرفت حیرت‌انگیز فناوری اطلاعات، ادبیات تطبیقی می‌تواند این بینش‌های متفاوت را براساس مشترکات فرهنگی دیرینه به هم نزدیک سازد.